

بررسی نقش دینداری در مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (نمونه مورد مطالعه: زنان شهر تهران)

رؤیا پورمحمد^۱، اسماعیل جهانبخش^{۲*}، اصغر محمدی^۳

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان، دهاقان، ایران.

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان، دهاقان، ایران.

۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان، دهاقان، ایران.

چکیده

امروزه زنان در مقایسه با مردان آمار کمتری از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را دارا هستند و به همین دلیل مشکلات زیادی را در ارتباط با سلامت شان پیدا می‌کنند. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش، ابزار تحقیق پرسشنامه و استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS، به دنبال بررسی نقش دینداری اجتماعی در مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی به عنوان هدف اصلی است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی زنان ۱۸ سال به بالای شهر تهران است که تعداد ۶۰۰ نفر از آنها با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان کل دینداری ($P=0/26$)، و ابعاد آن یعنی بعد اعتقادی ($P=0/24$)، بعد پیامدی ($P=0/33$)، بعد مناسکی ($P=0/30$) بعد تجربی ($P=0/22$) و بعد شناختی ($P=0/28$) با مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد؛ بنابراین تمامی

فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (AMOS) نیز نشان دادند که در کل اثر متغیر مستقل دینداری بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی به میزان ۰/۳۵ است.

واژه‌های کلیدی: دینداری، ورزش، مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی، شهر تهران.

مقدمه و بیان مسأله

ورزش به آرامی در فرهنگ قرن بیستم جایگاه ویژه‌ای کسب کرده و در قرن بیست و یکم این حرکت آرام سرعت بیشتری به خود گرفته است. در فضای اجتماعی، مکان‌ها و در زندگی جمعی، لحظاتی با ورزش نشان‌گذاری شده‌اند؛ همانند توسعه باشگاه‌های ورزشی، توسعه ورزش‌های همگانی، ایجاد ایستگاه‌های تندرستی در اماکن عمومی همانند پارک‌ها، پیاده‌روها و... با توجه به آمارها، اختصاص بخشی از زمان به انجام فعالیت‌های ورزشی در طول هفته توسط افراد در سال‌های اخیر نشان از توجه بیشتر افراد به سلامت روح و جسم در عصر صنعتی شدن می‌باشد. بین ورزش و جامعه رابطه متقابلی وجود دارد. جامعه‌شناسان در گذشته بیشتر به تأثیر جامعه بر ورزش تأکید می‌کردند؛ مبنی بر اینکه ورزش بازتاب‌دهنده روابط اجتماعی و فرهنگ جامعه است ولی در سال‌های اخیر محققان در پی آنند که تأثیر ورزش بر جامعه و اجتماع را که بعد دیگری از این ارتباط است، بررسی نمایند. به دلیل آنکه عنصر فرهنگی و اجتماعی زندگی جمعی در عصر حاضر در معرض خطر و کم‌رنگ شدن قرار گرفته است و محققان در پی شناسایی عوامل تأثیرگذار بر تقویت این عناصر می‌باشند که پرداختن به ورزش می‌تواند یکی از عوامل مدنظر فوق باشد (رحمانی فیروزجاه و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۸).

ورزش به عنوان پدیده‌ای مهیج، بر انگیزاننده، موجب اتحاد ملی، عامل توسعه و ارتقای سلامت در جامعه، جایگاه مهمی در جامعه بر عهده دارد. سلامت هر فردی تحت تأثیر عوامل گوناگونی چون ژنتیک، محیط زیست، خدمات پزشکی، سبک زندگی و... است و در این میان فعالیت‌های بدنی و تفریحات ورزشی جایگاه مهمی را دارند تا جایی که کاهش فعالیت بدنی می‌تواند سلامت فرد را تحت تأثیر قرار دهد. ورزش و فعالیت‌های جسمانی نه تنها در

ایجاد و حفظ تناسب اندام، اثرات سودمندی دارد، بلکه در پیشگیری از بیماری‌های قلبی و عروقی، فشار خون، دیابت و چاقی هم نقش مهمی را ایفا می‌کند (فولادوند، ۱۳۹۵: ۳-۲).

یکی از افشاری که توجه به ورزش در بین آنان به ویژه در جامعه ایران دارای اهمیت است زنان است. امروزه زنان در مقایسه با مردان آمار کمتری از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را دارا هستند و به همین دلیل مشکلات زیادی را در ارتباط با سلامت شان پیدا می‌کنند. با آنکه زنان گرایش بالایی به سایر روش‌های مدیریت بدن، مانند رژیم غذایی، مصرف مواد آرایشی و بهداشتی، داروهای افزایش و کاهش وزن و جراحی‌های زیبایی دارند، با توجه به وقت‌گیر بودن، گران بودن و عوارض جانبی این روش‌ها، امروزه ورزش و فعالیت جسمی می‌تواند فرصت مناسبی برای آنان باشد تا از عوارض و هزینه‌های این روش‌ها کاست.

با این وجود در بسیاری از جوامع حتی جوامع توسعه یافته، فرصت‌های زنان برای مشارکت ورزشی کمتر از مردان می‌باشد. نرخ مشارکت زنان ایرانی نیز در فعالیت‌های ورزشی پایین است. در کشور ما دختران جوان به دلیل وجود عوامل بازدارنده مختلف در استفاده از امکانات ورزشی با مشکل جدی عدم تحرک مواجهند (موتمنی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۱۲). کم بودن مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی در حالی است که با گسترش شهرنشینی و ورود وسایل ماشینی در خانه، که از قابلیت‌های منحصر به فرد سرمایه داری و صنعتی شدن محسوب می‌شود، فعالیت‌ها و تحرک‌های جسمانی خانگی زنان شاغل و خانه‌دار کاهش و بر اوقات فراغت آن‌ها افزوده شده است (قادرزاده و حسینی، ۱۳۹۴: ۳۱۰)؛ اما با این وجود حضور بانوان در فعالیت‌های ورزشی کمرنگ است و بنابراین باید عوامل مرتبط با افزایش مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی بود.

یکی از عوامل مرتبط با مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی میزان دینداری آنان است. دین یکی از ارکان اصلی جوامع بوده که در طی زمان و حوادث متعدد ظهور و بروزهای متعددی یافته است. به عبارت دیگر، دین در جوامع در حین اینکه تغییراتی را موجب شده است در برخی دوره‌ها به کلی دگرگون شده و ظهورهای متعددی پیدا کرده است. اما هیچگاه به طور کامل از صحنه اجتماع محو نشده است. تاثیر دین در جامعه‌های بشری یک واقعیت غیرقابل انکار است (نوربخش و ولف، ۱۳۸۸: ۳۰-۲۹).

عده ای از دانشمندان بر این باورند که بسیاری از متغیرهای سلامتی به وسیله باورهای دینی و مذهبی تبیین می‌شوند. در واقع مذهب یکی از عوامل تاثیرگذار بر رفتار و شناخت به شمار می‌رود (هادیان فرد، ۱۳۸۴: ۲۲۶ - ۲۲۵). آنها معتقدند مذهب به انسان کمک می‌کند تا معنای حوادث زندگی مخصوصاً حوادثی را که مشکل‌زا هستند را درک کرده و باعث دلگرمی و خرسندی مطبوعی در روحیه او بشود و در نتیجه سلامت او را افزایش دهد (سواتزکی^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). داشتن مذهب موجب ایجاد معنا، امیدواری، احساس کنترل، سبک زندگی سالم تر پذیرفته شدن از سوی دیگران و در نتیجه بالا رفتن سطح سلامت می‌گردد (خدارحیمی و همکاران، ۱۳۷۷: ۲۶).

مشارکت در فعالیت‌های ورزشی یکی از مسائلی است که برخی دانشمندان و صاحب‌نظران از آن به عنوان یکی از پیامدهای دین و دینداری نام می‌برند (پارسامهر و رسولی نژاد، ۱۳۹۴: ۶۰). به اعتقاد صاحب‌نظران، ارزش‌های دینی در جهان بینی ورزش نهفته هستند؛ بدین معنا که ورزش مظهر ارزش‌های دینی از جمله توسعه شخصیت، سخت‌کوشی، ایستادگی و استقامت است و مانند مذهب این ویژگی‌ها و رفتارها را ترویج می‌کند. از این رو، چندین اصل مشترک ذاتی مانند شخصیت‌سازی، نظم و انضباط، رقابت، آمادگی جسمی، عملکرد ثابت، تناسب اندام روانی، بی‌طرفی، بازی کردن با توجه به قوانین و ملی‌گرایی میان ورزش و دین وجود دارد؛ (ایتزن و سیج^۲، ۱۹۹۷). به این ترتیب، گرد آمدن ورزشکاران در محافل برای انجام دعا پیش از شروع بازی، امری غیر معمولی نیست و بیشتر این بازیکنان اغلب برای کسب موفقیت با خداوند ارتباط برقرار می‌کنند. در واقع، رابطه میان ورزش و دین را تقریباً در هر بخشی از جهان می‌توان یافت (جونو و آکونا^۳، ۲۰۱۳). بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی نقش دینداری اجتماعی در مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی مسأله‌ای اساسی است و پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که نقش ابعاد مختلف دینداری در مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی شهر تهران به چه میزان است؟

1 Sawatzky

2 Eitzen & Sage

3 Jona & Okou

اما انجام پژوهش حاضر در شهر تهران مسأله‌ای است که اهمیت مضاعفی دارد. کلانشهر تهران به عنوان پایتخت ایران، بزرگترین، پرجمعیت‌ترین و مهم‌ترین شهر ایران است که به دلایل مختلف سبک زندگی در این شهر متفاوت با سایر شهرهای ایران است. در شهر تهران معمولاً هم زنان و هم مردان به طرق مختلف مشغول کار هستند و زنان همانند مردان در فعالیت‌های خارج از منزل مشارکت دارند. ترافیک شدید در شهر تهران، هزینه‌های بالای زندگی، ساعات کاری طولانی همراه با اضافه کار در مؤسسه‌ها و شرکت‌های خصوصی و دغدغه‌های مختلف ناشی از زندگی در کلانشهرها همگی مواردی هستند که در شهر تهران زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده است. این عوامل باعث شده است افراد دارای تحرک کمتری باشند و بیشتر وقت خود را به دغدغه‌های زندگی اختصاص دهند.

این وضعیت سلامت جسمی و روحی افراد را به خطر می‌اندازد و آسیب‌های جبران ناپذیری به فرد و در نتیجه جامعه وارد می‌کند. اما این آسیب‌ها برای زنان بیشتر است، زیرا بسیاری از زنان نه تنها دارای دغدغه‌های کاری بیرون از منزل هستند، بلکه آنها دغدغه‌های امور داخل خانه را نیز دارند و به علاوه باورهای فرهنگی غلط راجع به زنان باعث شده است که آسیب‌پذیری این قشر از عدم فعالیت‌های ورزشی شدیدتر شود. باورهای فرهنگی غلط و همچنین عدم برداشت صحیح از اهمیت فعالیت‌های فیزیکی برای زنان باعث شده است این قشر مهم برای جامعه کمتر در فعالیت‌های ورزشی مشارکت داشته باشند و بنابراین بررسی عوامل مرتبط با آن دارای اهمیت و ضرورت است.

پیشینه پژوهش

- مددی و دیگران (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان «بررسی نقش دینداری در ارتقای ورزش همگانی استان آذربایجان شرقی» به انجام رساندند. تحقیق حاضر به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای در بین ۱۲۷۱ نفر از شهروندان استان آذربایجان شرقی انجام گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین دینداری و گرایش به ورزش همگانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. همچنین بین ابعاد احساسی، شناختی، مناسکی و پیامدی دینداری و گرایش به ورزش همگانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه مستقیم و معنی داری وجود

دارد. با توجه به ضرایب همبستگی مربوط به گرایش به ورزش همگانی و ابعاد دینداری نیز ملاحظه شد بیشترین ضریب مربوط به همبستگی گرایش به ورزش با بعد شناختی دینداری است.

- عظیمی و دیگران (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان «نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی بر مشارکت زنان در ورزش» به انجام رساندند. نمونه آماری این تحقیق ۴۰۰ زن در شهر کرمانشاه بودند که به صورت تصادفی خوشه‌ای از پنج منطقه شهر انتخاب شدند. نتایج نشان داد عوامل فرهنگی با میانگین $۶۲/۳$ و عوامل اجتماعی با میانگین $۸۲/۳$ بر میزان مشارکت ورزشی زنان تاثیر دارد. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت افزایش حمایت اجتماعی و فرهنگی از زنان یکی از بهترین راه‌های بالا بردن میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی است و توصیه می‌شود در جامعه از برنامه‌های تفریحی ورزشی زنان حمایت شود.

- فضل الهی و ملکی توانا (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «نقش روانشناختی باورهای دینی در بهبود عملکرد ورزشکاران» به انجام رساندند. نتایج نشان دادند که اعتقاد به امدادهای الهی، توکل به خداوند متعال و یقین داشتن به موفقیت در کاهش اضطراب و نيل به موفقیت و تحقق اهداف ورزشی تاثیر مثبت دارد. التزام عملی به دین از جمله نماز خواندن و راز و نیاز با خداوند و صبرپیشه کردن در موفقیت و بهبود عملکرد ورزشی نقش مثبت داشته و آنرا افزایش می‌دهد. همچنین باور داشتن به عدل الهی، نظارت مستقیم او بر اعمال و نیات ضریب موفقیت ورزشکاران را افزایش می‌دهد. و توسل به ائمه اطهار (ع) و استمداد از آنان اراده را برای کسب موفقیت بیشتر و کنترل عملکرد تقویت می‌نماید که همگی با اطمینان $۰/۹۹$ و $a = ۰/۰۱$ تایید گشتند.

- کشکر و احسانی (۱۳۸۶) پژوهشی را با عنوان «بررسی اهمیت عوامل بازدارنده زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی» به انجام رساندند. برای انجام کار، ابتدا به بررسی سلسله مراتب عوامل بازدارنده سه گانه و نیز اولویت آن‌ها برای مشارکت زنان شهر تهران در ورزش تفریحی، با توجه به خصوصیات فردی آن‌ها که شامل سن، شغل، تعداد فرزند، وضعیت تاهل، و تحصیلات بود، اقدام شد و پس از توزیع پرسشنامه‌ای پژوهش‌گر ساخته و دارای روایی و پایایی قابل اعتماد بین زنان شهر تهران، نتایج پژوهش نشان داد که در بین این زنان، عوامل ساختاری، مهم‌ترین دسته از عوامل اثرگذار بر

مشارکت آن‌ها در ورزش است و عوامل بازدارنده فردی و بین فردی، به ترتیب در اولویت‌های دوم و سوم قرار دارند.

- استنت^۱ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «موانع مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی در بین زنان»، معلولین، مردم محلات نامناسب اجتماعی، افراد مسن، اقلیت‌های جمعیتی و افراد با ویژگی‌های خاص که در بین ۵۰۰ نفر از زنان ماری فرانس به انجام رساند مشخص کرد که موانع اجتماعی فرهنگی مانند دینداری، موانع ساختاری و موانع دانشی به عنوان موانع عدم مشارکت ورزشی در بین سالمندان هستند.

- وال ست^۲ (۲۰۱۰) مطالعه‌ای کیفی را با عنوان «زنان جوان مسلمان و ورزش» به انجام رساند. این مطالعه بر اساس مصاحبه با زندگی ۲۱ زن مسلمان مهاجر که در نروژ زندگی می‌کنند به انجام رسید. وی به این نتیجه رسید که نقش اعتقادات مذهبی در مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی کاملاً دیده می‌شود. بعضی از زنان مسلمان ورزش را امری مردانه می‌دانند و در آن مشارکت نمی‌کنند. اما دسته دیگری از آنان که به جنبه کسب سلامت بدن در اسلام توجه دارند، بسیار جدی و علاقه مند در ورزش مشارکت می‌کنند.

- ووگن^۳ (۲۰۰۹) تحقیقی را با هدف تعیین فاکتورهای موثر بر شرکت زنان میان سال و مسن آمریکای لاتین در فعالیت‌های ورزشی انجام داد. زنان شرکت کننده در این تحقیق شامل ۲۵۰ زن در دو گروه سنی ۴۰-۶۰ و ۶۱-۸۱ ساله بودند. چندین عامل که به عنوان موانع شرکت در فعالیت جسمانی آن‌ها ذکر شد شامل: بیماری جسمانی یا ناتوانی، درد، خستگی، فقدان خود انگیزگی، اضطراب، نگهداری از کودکان، کارهای روزمره، محدودیت‌های زمانی (انجام امور خارج از منزل) و شرایط نامساعد محیطی مثل آب و هوای گرم و بارانی بود.

- لیتچی، فریمن و زابرسکی^۴ (۲۰۰۳) پژوهشی را با عنوان «تصویر بدن و باورها درباره ظاهر: دختران کالج و مادرانشان» به انجام رساندند؛ این پژوهش در پرو و توسط دانشجویان دانشگاه بریگم یانگ به انجام رسیده است. جامعه آماری پژوهش ۸۰۰ نفر از زنان کالج بریگم

1 Stents

2 Walseth

3 Vaughan

4 Liechty & Freeman & Zaboriskieki

یانگ و مادرانشان هستند. نتایج حاصل از آن است که تصویر ذهنی و باور آن‌ها در مورد ظاهرشان و ارتباط آن با عوامل عدم مشارکت ورزشی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که تصویر ذهنی آنان از خود و ظاهر بدنی خویش، عامل مهم بازدارنده آن‌ها از فعالیت ورزشی است.

- بوش^۱ (۲۰۰۱) مقاله‌ای را با عنوان «نقش مهم محیط در سود جوانان از مشارکت در بازی‌های ورزشی» به انجام رساند. این پژوهش در کشور آمریکا و در بین ۴۰۰ نفر از زنان به انجام رسید. بوش معتقد است که زنانی که در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند، به طور کلی اعتماد به نفس بالایی دارند و مربیان آن‌ها می‌گویند که آن‌ها افرادی اجتماعی تر هستند و کمتر خجالتی و گوشه گیر هستند و اهمیتی به تفاوت‌های جنسیتی نمی‌دهند.

مبانی نظری

- نظریه‌های مشارکت در ورزش

گولد^۲ اولین مدل تبیین کننده مشارکت در فعالیت ورزشی را گولد مطرح کرد که برای انصراف جوانان از ورزش ارائه نمود و در آن بر عوامل درونی فردی، موقعیتی و انگیزه‌ها تأکید کرده است. به اعتقاد او عوامل مؤثر بر انصراف ورزشی عبارتند از: تضاد منافع، فقدان موفقیت، عدم پیشرفت، فشار روانی، فقدان لذت و تفریح، صدمه و آسیب دیدن و فقدان علاقه به مربی. او معتقد است که فرد با استفاده از تحلیل هزینه، فایده، میزان رضایت و خشنودی خود را از این فعالیت می‌سنجد و سپس آن را با سایر فعالیت‌های جایگزین مقایسه می‌کند (شارع پور، ۱۳۸۱: ۷۹).

گریندورفر^۳ (۱۹۸۷) با استفاده از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی به تحقیق درباره جامعه‌پذیری ورزشی پرداخته و سه دسته از عوامل مؤثر بر مشارکت ورزشی را تبیین کرده است. این عوامل عبارتند از:

- ویژگی‌های فردی (شخصیت، اهداف معطوف به موفقیت، شایستگی، تجربه)

1. Bush
2. Gould
3. Greendorfer,

- دیگران مهم (حمایت‌های والدین، دوستان، مربیان ورزشی و الگوهای نقشی)

- موقعیت‌های جامعه پذیرکننده (عوامل فرهنگی و مذهبی).

به واسطه ترکیب تأثیرات این سه عامل، یادگیری نقش صورت می‌گیرد. او در مدل خویش برای تبیین میزان مشارکت ورزشی و تداوم آن بر اهمیت مدل‌های نقش، جنسیت و تجربه تأکید دارد (شارع پور، ۱۳۸۱: ۷۹).

به اعتقاد بسیاری از محققان ویزو و شومتون^۱ کاملترین مدل برای تبیین مشارکت در ورزش را ارائه کرده‌اند. آنها با استفاده از رهیافت شناخت اجتماعی تأکید بر این دارند که چگونه عوامل فردی، اجتماعی و موقعیتی بر یکدیگر تأثیر متقابل نهاده و شناخت فرد در مورد مشارکت ورزشی را شکل می‌دهند. آنها با استفاده از بسیاری از نظریات مهم در این زمینه، مدل انگیزشی خاصی را ارائه داده‌اند. براساس این مدل، مهمترین عامل مؤثر بر مشارکت ورزشی و تداوم آن، جهت‌گیری انگیزشی فرد است؛ یعنی آیا فرد جهت‌گیری درونی دارد یا جهت‌گیری بیرونی و معطوف به نتیجه و پیامد؟ فرد با جهت‌گیری درونی از نوعی نظام خودپاداش دهی استفاده می‌کند. در نتیجه دارای کنترل درونی و ادراک مطلوبی از شایستگی خود است. نتیجه این فرایندها، افزایش احتمال مشارکت او در ورزش است. در مقابل، فرد با جهت‌گیری بیرونی برای قضاوت در مورد توانمندی‌های فردی خویش از نتیجه و پیامد (پیروزی در ورزش) استفاده می‌کند. علیرغم شایستگی‌های موجود در این مدل، تأکید فراوان آن بر جهت‌گیری انگیزشی افراد سبب بی‌توجهی به سایر عوامل مؤثر شده است (ضیاءپور و کیانی پور، ۱۳۹۱: ۹۵).

سرلی و جکسولا^۲ معتقدند زنان برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، با موانع بیشتری نسبت به مردان مواجه‌اند. آنها علل حضور نیافتن زنان در فعالیت‌های ورزشی را چنین ذکر کردند: نداشتن همراه برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، تعهدات خانوادگی، عدم علاقه به فیزیک و اندام مناسب، کمی اطلاعات، خجالتی بودن، کمبود وسایل نقلیه و امکانات مناسب برای زنان و ناتوانی. همچنین نشان دادند، یکی از علل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی،

1. Weiss and Chaumeton

2. Searle and Jackson

اطلاع رسانی ناکافی به افراد است، زیرا آنها از سرویس‌های ارائه شده و از وجود خدماتی برای فعالیت‌های ورزشی ناآگاهند (هندرسون^۱ و دیگران، ۱۹۹۸: ۲۵۶).

کواکلی^۲ معتقد است که دین و ورزش دارای اشتراکاتی هستند و دینداری بر ورزش افراد تأثیرگذار است. او معتقد است که دین و ورزش برای گردهمایی‌ها و برنامه‌های خاص خود دارای مکان‌ها و ساختمان‌هایی ویژه هستند؛ ورزش دارای استادیوم و باشگاه است و ادیان نیز کلیسا و کنیسه دارند. هر دوی آن دارای کتاب‌ها و داستان‌هایی با هدف بهبود شخصیت افراد هستند. ورزش کتاب راهنما، تمرین و زمان خاص دارد و دین نیز دارای کتاب مقدس، مراسم مذهبی و خلوتگاه است. هر دو اغلب با سلسله مراتب ساختاری خاصی کنترل میشوند. ورزش دارای مربی، هیأت کمیسیون و سرمایه‌گذار است و دین هم مبلغ مذهبی، کشیش، اسقف و پیامبر دارد. هر دو دارای برنامه‌های خاصی هستند که در آنها ارزش‌های درونی خود را در زمانهای خاصی به عنوان یک رویداد ویژه جشن می‌گیرند. هر دو حاوی مراسم بسیار مهمی پیش، حین و پس از رویدادهای مهم هستند. در ورزش مراسم ویژه در شروع مسابقات، مذاکرات بین دو نیمه و دست دادن بعد از بازی وجود دارد و دین نیز دارای غسل تعمید، سرودهای مذهبی آغاز و پایان مراسم و دسته جات مذهبی است (کواکلی، ۲۰۰۱).

ریزبرگ^۳ معتقد است که ورزشکاران عقاید و اعمال مذهبی خود را به شکلی پررنگ همراه خویش به زمین بازی می‌برند و دین برای برخی قهرمانان ورزشی به عنوان راهی برای آمادگی، عملکرد و ارزیابی آنان از فعالیت ورزشی شان، دارای اهمیت است. در واقع، جایگاه دین در زندگی ورزشکاران و در نتیجه در ورزش، چندوجهی، مشترک و قدرتمند است. به نظر می‌رسد عقاید و باورهای مذهبی در مواضع مختلفی برای مقابله با فراز و نشیب‌های ورزشی، به ورزشکاران کمک می‌کند و به آنان درک عمیق تری از تجربیاتشان می‌دهد (ریزبرگ، ۲۰۰۴).

1. Handerson

2. Coakley

3. Wrisberg

چو^۱ معتقد است بسیاری از افراد بر موانع فیزیولوژیکی که به حکم طبیعت زن، در مشارکت فعال او تأثیر می‌گذارد، بیشتر از موانع فرهنگی تأکید می‌کنند؛ در صورتی که واقعیت غیر از این است، از جمله؛

- بسیاری از مسابقات ورزشی به سینه زن آسیب می‌رساند.

- استخوان‌های زن - برعکس مرد - شکننده است و زنان از لحاظ بدنی موجوداتی آسیب

پذیرند.

- مشارکت فشرده ی زن در ورزش به رشد عضلانی بدن می‌انجامد که این با چهره ی

اجتماعی زن ناسازگار است (انورالخولی، ۱۳۸۷: ۱۰۸-۱۰۷).

سندرا بم^۲ در خصوص نقش پذیری جنسیتی و تشکیل کلیشه‌های جنسیتی مبتنی بر جنس در افراد معتقد است: کودکان در یادگیری نقش‌های جنسیتی فعال هستند، آن‌ها مقوله‌های شناختی موجود در جامعه را برای جنسیت شکل می‌دهند و سپس دانش جنسیتی مربوطه را درباره ی این مقوله‌ها بدست می‌آورند. بم استدلال می‌کند نقش پذیری جنسیتی به واسطه فرآیند یادگیری تدریجی تشکیل و طرح واره‌های جنسیتی اتفاق می‌افتد، وی نقش مهمی برای فرهنگ در تشکیل طرح واره‌های جنسیتی به واسطه فرآیند یادگیری تدریجی تشکیل و طرح واره‌های جنسیتی اتفاق می‌افتد، وی نقش مهمی برای فرهنگ در تشکیل طرح واره‌های جنسیتی قائل است (نبوی و احمدی، ۱۳۸۶: ۶۱).

چافتز^۳ در بررسی نابرابری‌های جنسیتی به نقش نیروهای اجباری و اختیاری قشربندی

جنسیتی می‌پردازد. عناصر اصلی نظریه لایه بندی جنسیتی چافتز عبارتند از:

۱. نظام تقسیم کار کلان در سطح جامعه

۲. برتری مردان در دست یابی به منابع مادی و منابع قدرت

۳. تعاریف اجتماعی برای مقایسه زنان و مردان، شامل ایدئولوژی جنسیتی، هنجار جنسیتی

و باورهای قالبی جنسیتی (احمدی و گروسی، ۱۳۸۳: ۹).

1 Choo

2 Bem

3 Chafetz

چافتز بین انواع تعاریف جنسیتی تمایز قائل می‌شود به نظر او ایدئولوژی جنسیتی عبارت از عقایدی درباره تفاوت‌های زیست‌شناختی در سرشت زن و مرد که نابرابری را توجیه می‌کند (احمدی و گروسی، ۱۳۸۳: ۱۰). هنجارهای جنسیتی بیان‌کننده انتظارات متفاوت از زن و مرد براساس جنسیت آن‌ها است. تصورات قالبی جنسیتی باورهای مؤکد بر تفاوت زنان و مردان در پاسخ‌گویی به موقعیت‌های مختلف است. آنچه براساس این نظریه مهم به نظر می‌رسد این است که هنجارهای جنسیتی انتظارات متفاوتی از زنان و مردان دارند و براساس آن‌ها تصورات قالبی جنسیتی بر رفتارهای اجتماعی زنان تأثیرگذار است و تصورات قالبی به صورت مانعی در انجام فعالیت‌های ورزشی بانوان عمل می‌کند (نقدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

– نظریه‌های دینداری

دورکیم^۱ نظریه پرداز است که بیشترین تاثیر را بر جامعه‌شناسی دین داشته است. وی برای شناخت همه ادیان بشری به ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین صورت دین توجه می‌کند (همیلتون ۱۳۸۹: ۱۷۱). وی نه به ماهیت دین بلکه به کارکردهای آن می‌پردازد و نقش دین در انسجام اجتماعی جوامع سنتی را مهم قلمداد می‌کند (ریترز، ۱۳۸۳: ۲۳).

و بر^۲ از جمله جامعه‌شناسان کلاسیک است که بخش قابل توجهی از آثارش به دین اختصاص دارد. و بر از دو نوع دین شریعتی و رستگاری یاد می‌کند و یا از دو نوع خداشناسی زاهدانه و عارفانه سخن می‌گوید. او مصداق دین شریعتی را کنفوسیوس و یهودیت تلمودی می‌داند که مومنان در خدمت شرع مقدس هستند و همراه با اهتمامات مناسکی در صدد سازگاری با دنیا هستند، ولی در دین رستگاری مومنان اهتمامشان تماماً صرف آخرت و تاملات درونی است. مصداق نزدیک دین رستگاری بودیسم و مسیحیت است که پیروان خویش را در تنش دائمی با دنیا قرار داده‌اند (فروند، ۱۳۷۵: ۱۹۱).

آلستون^۳ تعریف خود از دین را موکول به شناخت ابعاد و خصایص دین می‌کند. آلستون می‌گوید هر چند نمی‌توان مرز مشخصی بین دین و غیر دین ترسیم کرد، اما با اتکا به یک

1 Durkheim

2 Weber

3 Alston

الگوی کاملاً مشخص دینی و تشریح ابعاد و خصوصیات آن می‌توان وجوه اشتراک و افتراق هر مورد را با الگوی مورد نظر مشخص ساخت (میر سندسی، ۱۳۸۳: ۴۶).

لنسکی^۱ معتقد است که دین عامل موثری است که اندیشه و عمل فرد را حتی در جوامع مدرن متأثر می‌سازد. او برای سنجش این تاثیر گذاری به مهمترین جنبه‌های دینداری یعنی «جهت گیری دینی^۲» و «میزان درگیر بودن با گروه دینی^۳» می‌پردازد. لنسکی دو جهت گیری راست کیشی^۴ و عبودیتی^۵ را در دین یهودی - مسیحی مهم قلمداد می‌کند. این دو جهت گیری به لحاظ فعال و منفعل بودن، پذیرش یا عدم پذیرش در دنیای مدرن و همچنین تاثیرات متفاوتشان بر الگوی فکر و عمل از هم متمایز اند. به اعتقاد لنسکی درگیر بودن گروه دیندار، از دو جنبه مشارکتی^۶ و معاشرتی^۷ برخوردار است که می‌تواند کم یا زیاد باشد. او بعد مشارکتی را از لحاظ میزان حضور در برنامه‌ها و فعالیت‌های رسمی و جمعی نهاد دین و بعد معاشرتی را از حیث داشتن پیوندهای دوستانه و عاطفی هم کیشان و اعضای کلیسای خود مورد توجه قرار می‌دهد (حقیقتیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۹ - ۸).

رابرتسون اسمیت^۸ معتقد است دین را نباید وسیله‌ای برای تکریم و نجات ارواح تلقی کرد، بلکه باید آن را طریقه‌ای در صیانت و رفاه جامعه قلمداد نمود. ادیان باستانی جزئی از نظم عمومی اجتماعی خویش بودند که خدا و بشر را توأم در بر می‌گرفتند. وی مذهب را تنها یک ترس مبهم و فرزند هراس و وحشت نمی‌داند بلکه آن را حافظ مقررات، نوامیس و نظم اخلاقی جامعه نیز می‌داند و آنچه برای او مهم است عملکردهای دین است و نه باورداشت‌ها. به استدلال او عملکردهای دینی مانند تشریفات و مناسک اهمیتی بنیادی دارند و برای شناخت دین نخست باید شیوه‌های مردم را تحلیل کرد و نه باورداشت‌های آنها را. به طور کلی به ادعای رابرتسون دین دو کارکرد عمده دارد: یکی تنظیم کننده و دیگری برانگیزاننده، تنظیم کننده

1 Lnsky

2 Religious Orientation

3 Degree Of Group Involvement

4 Orthodoxy

5 Devotionalism

6 Association

7 Communal

8 Robertson Smith

رفتار فردی برای خیر همگان و یا به سخن دیگر برای گروه و برانگیزاننده احساس مشترک جهت وحدت اجتماعی که از طریق مناسک مذهبی انجام می‌شود (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

رادکلیف براون^۱ بر این عقیده است که عملکردهای مذهبی از باورداشت‌های دینی اهمیت بیشتری دارند. به همین دلیل است که وی با این قضیه کاری ندارد که آیا باورداشت‌ها حقیقت دارند یا خیر. به نظر او باورداشت‌ها واقعاً اهمیتی نداشته و تنها آنچه مردم در عمل انجام می‌دهند، اهمیت اساسی دارد. از این رو به نظر براون، باورداشتها، دلیل تراشی‌ها و توجیه‌های مناسک‌اند و می‌توان گفت که مناسک بیان نمادین و تنظیم شده‌ی برخی احساسات‌اند. پس می‌توان نشان داد که مناسک کارکردهای اجتماعی خاصی دارند که ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که بنای ساختمان جامعه را تشکیل می‌دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

چارلز گلارک و رادنی استارک^۲ برای دینداری چهار بعد اصلی «عمل»، «باور»، «تجربه»، «دانش یا معرفت» را تحت عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده‌اند. این ابعاد چهارگانه، در سطح مقیاس‌های اولیه به پنج شاخص یا مقیاس تقسیم شده‌اند که افزایش آن، ناشی از تفکیک بعد عمل به دو بخش شاخص مناسکی و عبادی است (گلارک و استارک، ۱۹۷۰).

- بعد باور (اعتقادی): آن چیزی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند

- بعد مناسکی (عمل): نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی می‌یابند.

- بعد تجربی (عاطفی): تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی وجه عالی‌تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد.

- بعد شناختی: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بعد، مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بعد دانش است.

1 Radcliffe-Brown

2 Charles Glark and Rodney Stark

- بعد پیامدی: این بُعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد، از جمله این که، بعد پیامدی فی نفسه پیامد دینداری است، نه بعدی از ابعاد آن. بعد پیامدی دینداری، که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش‌های بشر است (گلاک و استارک، ۱۹۷۰).

کینگزلی دیویس^۱ معتقد است که تفاوت معنا داری بین داوری و تبیین محقق با فهم کنشگر دینی مشاهده می‌شود. بنابراین نظریه پردازان جدید کارکردگرایی با اهمیت دادن بیشتر به کنشگر دینی و وارد کردن عنصر روانشناختی و تلفیق آن با نظریه کارکردگرایی، تبیین بهتری از دین ارائه داده‌اند. دیویس از این دست جامعه‌شناسان است. دیویس در کتابش تحت عنوان جامعه‌شناسی انسان به ارائه کارکردهای مثبت دین پرداخته و دین را به عنوان عامل انسجام بخش در جامعه می‌ستاید و اضافه می‌کند که افراد از طریق شرکت در مراسم دینی، وابستگی‌شان را به اهداف گروهی افزایش می‌دهند. دیویس از تمایز بین امر مقدس و نا مقدس استفاده کرده و آنرا داری خصلتی نمادین می‌داند (توسلی، ۱۳۸۰).

چارچوب نظری و تجربی پژوهش

در پژوهش حاضر از نظریات مختلفی به عنوان مبانی نظری استفاده شده است. اما تنها تعدادی از نظریات که مبنای استخراج فرضیات هستند چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. در پژوهش حاضر بر مبنای نظریه گلاک و استارک دینداری در ابعاد اعتقادی، پیامدی، مناسکی، تجربی و شناختی مورد بررسی قرار گرفته است.

کواکلی معتقد است که دین و ورزش دارای اشتراکاتی هستند و دینداری بر ورزش افراد تأثیرگذار است. او معتقد است که دین و ورزش برای گردهمایی‌ها و برنامه‌های خاص خود دارای مکان‌ها و ساختمان‌هایی ویژه هستند؛ ورزش دارای استادیوم و باشگاه است و ادیان نیز کلیسا و کنیسه دارند. هر دوی آن دارای کتاب‌ها و داستان‌هایی با هدف بهبود شخصیت افراد هستند. ورزش کتاب راهنما، تمرین و زمان خاص دارد و دین نیز دارای کتاب مقدس، مراسم

مذهبی و خلوتگاه است. هر دو اغلب با سلسله مراتب ساختاری خاصی کنترل میشوند. ورزش دارای مربی، هیأت کمیسیون و سرمایه گذار است و دین هم مبلغ مذهبی، کشیش، اسقف و پیامبر دارد. هر دو دارای برنامه‌های خاصی هستند که در آنها ارزش‌های درونی خود را در زمانهای خاصی به‌عنوان یک رویداد ویژه جشن می‌گیرند. هر دو حاوی مراسم بسیار مهمی پیش، حین و پس از رویدادهای مهم هستند. در ورزش مراسم ویژه در شروع مسابقات، مذاکرات بین دو نیمه و دست دادن بعد از بازی وجود دارد و دین نیز دارای غسل تعمید، سرودهای مذهبی آغاز و پایان مراسم و دسته جات مذهبی است (کواکلی^۱، ۲۰۰۱).

ریزبرگ معتقد است که ورزشکاران عقاید و اعمال مذهبی خود را به شکلی پررنگ همراه خویش به زمین بازی می‌برند و دین برای برخی قهرمانان ورزشی به عنوان راهی برای آمادگی، عملکرد و ارزیابی آنان از فعالیت ورزشی شان، دارای اهمیت است. در واقع، جایگاه دین در زندگی ورزشکاران و در نتیجه در ورزش، چندوجهی، مشترک و قدرتمند است. به نظر می‌رسد عقاید و باورهای مذهبی در مواضع مختلفی برای مقابله با فراز و نشیب‌های ورزشی، به ورزشکاران کمک می‌کند و به آنان درک عمیق تری از تجربیاتشان می‌دهد (ریزبرگ، ۲۰۰۴).

- وال ست^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که نقش اعتقادات مذهبی در مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی کاملاً دیده می‌شود. بعضی از زنان مسلمان ورزش را امری مردانه می‌دانند و در آن مشارکت نمی‌کنند. اما دسته دیگری از آنان که به جنبه کسب سلامت بدن در اسلام توجه دارند، بسیار جدی و علاقه مند در ورزش مشارکت می‌کنند.

بنابراین از تئوری‌ها و پژوهش‌های فوق این فرضیه اصلی استخراج می‌شود که:

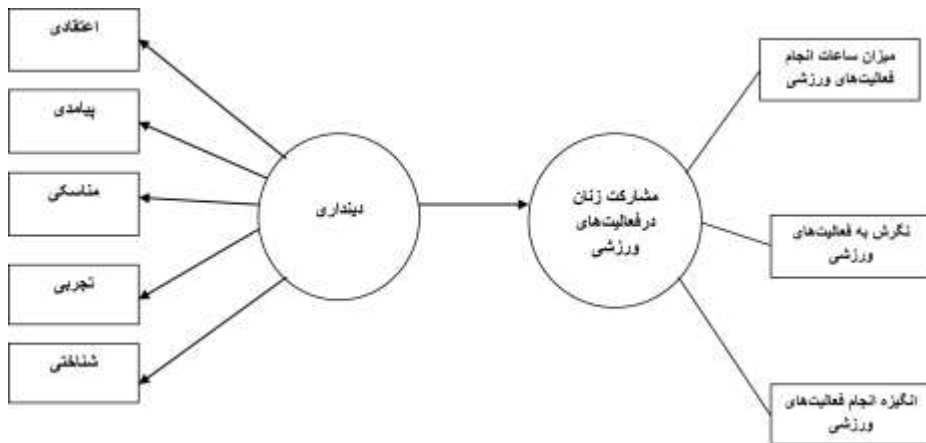
- بین دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.

همچنین با توجه به اینکه مطابق نظریه گلاک و استارک دینداری با شاخص‌های بعد اعتقادی، پیامدی، مناسکی، تجربی و شناختی مورد بررسی قرار گرفته شده است این فرضیه‌های فرعی استخراج می‌شود که:

1 Coakley

2 Walseth

- بین بعد اعتقادی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.
- بین بعد پیامدی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.
- بین بعد مناسکی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.
- بین بعد تجربی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.
- بین بعد شناختی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.



مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

بین دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین بعد اعتقادی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.
- بین بعد پیامدی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.
- بین بعد مناسکی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.
- بین بعد تجربی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.
- بین بعد شناختی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش است. در این مطالعه، برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد. در این رابطه جهت اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است.

جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی زنان ۱۸ سال به بالای شهر تهران است؛ بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت تمام زنان شهر تهران ۶،۰۴۵،۳۹۸ نفر است و تعداد زنان ۱۸ سال به بالای آن در حدود ۴/۵۰۸/۰۰۰ است. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه «نمونه‌گیری» برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۶۰۰ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/04)^2}}{1 + \frac{1}{4508000} \left(\frac{(1/96) \times (0/5)(0/5)}{(0/04)^2} - 1 \right)} = 600$$

$$N = 4508000 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad q = 0/5 \quad d = 0/04$$

روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر خوشه‌ای تصادفی است. بدین صورت که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تعدادی از منطقه‌های شهر تهران را انتخاب و از هر منطقه به صورت تصادفی نمونه‌هایی استخراج شده و سپس پرسشنامه‌ها تحویل پاسخگویان داده خواهد شد تا هر کدام پاسخ‌های مورد نظرشان را بدهند. منطقه‌های ۱، ۴، ۷، ۱۱، ۱۵ و ۱۸ مناطقی هستند که

پرسشنامه‌ها در آنجا پخش شده‌اند. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم افزار آماری اس پی اس و ایموس انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست‌های آماری متناسب با هر فرضیه بکار گرفته شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

تعریف متغیرهای پژوهش

- مشارکت در فعالیت‌های ورزشی

تعریف مفهومی: مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، حضوری است فعالانه، با انگیزه، فارغ از الزامات و تعیین‌های تحمیلی در باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی. این نوع مشارکت می‌تواند برای سلامتی و به صورت غیرحرفه‌ای و یا حرفه‌ای و در حد قهرمانی باشد (لیچتی و دیگران، ۲۰۰۳: ۳۴۵).

تعریف عملیاتی: مشارکت در فعالیت‌های ورزشی در پژوهش حاضر با شاخص‌های میزان ساعات انجام فعالیت‌های ورزشی، نگرش به فعالیت‌های ورزشی و انگیزه انجام فعالیت‌های ورزشی سنجیده شده است.

- دینداری

تعریف مفهومی: دینداری به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است. به عبارت دیگر پیروی پیروان دین از آن و از زیرمجموعه‌های آن است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۹).
تعریف عملیاتی: دینداری در این پژوهش با شاخص اعتقادی، پیامدی، مناسکی، تجربی و شناختی بررسی شده است. هر کدام از شاخص‌های فوق با گویه‌های مختلفی در قابل طیف لیکرت ۵ قسمتی به ترتیب از خیلی کم تا خیلی زیاد مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۵۶/۱۶ درصد افراد مورد مطالعه متأهل و ۴۳/۸۴ درصد دیگر را مجرد تشکیل داده‌اند. بر اساس یافته‌های مرتبط با متغیر سن، ۱۴/۱۶

درصد پاسخگویان در گروه سنی ۱۸-۲۱ سال، ۱۶/۸۴ درصد در گروه سنی ۲۲-۲۶ سال، ۱۵/۶۷ درصد در گروه سنی ۲۷-۳۰ سال، ۱۶/۶۷ درصد در گروه سنی ۳۱-۳۵ سال، ۹/۱۷ درصد در گروه سنی ۳۶-۴۰ سال، ۱۲/۸۳ درصد در گروه سنی ۴۱-۴۹ سال، ۸/۸۳ درصد در گروه سنی ۵۰-۶۰ سال و ۵/۸۳ درصد در گروه سنی بالاتر از ۶۰ سال هستند.

یافته‌های مربوط به متغیر سطح تحصیلات نشان می‌دهد که ۲/۵۰ درصد پاسخگویان دارای سطح تحصیلات زیر دیپلم، ۱۴ درصد دارای سطح تحصیلات دیپلم، ۲۵ درصد دارای سطح تحصیلات کاردانی، ۴۴/۱۷ درصد دارای سطح تحصیلات کارشناسی و ۱۴/۳۳ درصد دیگر دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

آمار توصیفی متغیر حمایت اجتماعی

جدول ۱- توزیع فراوانی بر حسب دینداری

وضعیت مولفه						شاخص‌های توصیفی		متغیرهای پژوهش	
جمع کل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	انحراف معیار	میانگین		
۶۰۰	۱۶۵	۱۱۶	۱۴۵	۱۰۵	۶۹	۰/۸۹	۳/۱۸	بعد پیامدی	
۱۰۰	۲۷/۵	۱۹/۳۳	۲۴/۱۶	۱۷/۵	۱۱/۵				
۶۰۰	۱۸۴	۱۶۰	۱۷۱	۵۰	۳۵	۰/۹۸	۳/۶۸	بعد اعتقادی	
۱۰۰	۳۰/۶۶	۲۶/۶۶	۲۸/۵	۸/۳۳	۵/۸۳				
۶۰۰	۷۵	۱۲۰	۲۸۵	۷۰	۵۰	۰/۹۱	۳/۱۶	بعد مناسکی	
۱۰۰	۱۲/۵	۲۰	۴۷/۵	۱۱/۶۶	۸/۳۳				
۶۰۰	۸۳	۱۲۹	۲۷۵	۶۵	۴۸	۰/۹۰	۳/۲۲	بعد تجربی	
۱۰۰	۱۸/۸۳	۲۱/۵۰	۴۵/۸۳	۱۰/۸۳	۸/۰۰				
۶۰۰	۱۰۷	۱۷۰	۲۱۱	۶۰	۵۲	۱/۱۷	۳/۳۶	شناختی	
۱۰۰	۱۷/۸۳	۲۸/۳	۳۵/۱۶	۱۰	۸/۶۶				
								۳/۳۲	میانگین کل دینداری

یافته‌های جدول بالا نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های دینداری، بعد اعتقادی دارای بیشترین میانگین (۳/۶۸) و بعد مناسکی کمترین میانگین (۳/۱۶) است. همچنین میانگین بعد پیامدی (۳/۱۸)، تجربی (۳/۲۲) و شناختی ۳/۳۶ و میانگین کلی دینداری (۳/۳۲) یعنی بالاتر از حد متوسط است.

جدول ۲- توزیع فراوانی بر حسب مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی

وضعیت مولفه					شاخص‌های توصیفی		متغیرهای پژوهش	
جمع کل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	انحراف معیار		میانگین
۶۰۰	۱۲۴	۱۵۴	۱۹۰	۴۸	۸۴	۰/۹۲	۳/۳۱	مدت زمان انجام فعالیت‌های ورزشی
۱۰۰	۲۰/۶۶	۲۵/۶۷	۳۳/۶۷	۸	۱۴			
۶۰۰	۹۸	۱۱۸	۲۵۱	۷۸	۵۵	۰/۹۵	۳/۲۱	نگرش به فعالیت‌های ورزشی
۱۰۰	۱۶/۳۳	۱۹/۶۶	۴۱/۸۳	۱۳	۹/۱۶			
۶۰۰	۱۲۶	۱۸۰	۱۹۳	۵۶	۴۵	۰/۹۲	۳/۴۷	انگیزه انجام فعالیت‌های ورزشی
۱۰۰	۲۱	۳۰	۳۲/۱۶	۹/۳۳	۷/۵			
							۳/۳۳	میانگین کل مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی

یافته‌های جدول بالا نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی، انگیزه انجام فعالیت‌های ورزشی دارای بیشترین میانگین (۳/۴۷) و نگرش به فعالیت‌های ورزشی دارای کمترین میانگین (۳/۲۱) است. همچنین میانگین مدت زمان انجام فعالیت‌های ورزشی (۳/۳۱) و میانگین کل مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (۳/۳۳) یعنی متوسط رو به بالا است.

یافته‌های استنباطی

- بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف به قرار زیر استفاده می‌شود:

H_0 : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند

H_1 : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند

جدول ۳- آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	بعد شناختی دینداری	بعد تجربی دینداری	بعد مناسکی دینداری	بعد پیامدی دینداری	بعد اعتقادی دینداری	مؤلفه‌های پژوهش
۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	تعداد
۲/۶۲	۲/۷۵	۲/۵۹	۱/۵۶	۱/۷۴	۰/۸۰	مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف
۰/۱۱۱	۰/۱۲۴	۰/۲۴۵	۰/۱۲۹	۰/۰۶۱	۰/۰۸۰	سطح معناداری

با توجه به جدول شماره ۳ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰,۰۵ می‌باشند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را بکار گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

- بین ابعاد مختلف دینداری (اعتقادی، پیامدی، مناسکی، تجربی و شناختی) با مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین ابعاد مختلف دینداری (اعتقادی، پیامدی، مناسکی، تجربی و شناختی) با مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر است.

جدول ۴- همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی		شاخص‌ها	نام متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۰/۰۰۰	۰/۲۴	اعتقادی	دینداری
۰/۰۰۰	۰/۳۳	پیامدی	
۰/۰۰۰	۰/۳۰	مناسکی	
۰/۰۰۱	۰/۲۲	تجربی	
۰/۰۰۲	۰/۲۸	شناختی	
۰/۰۰۰	۰/۲۶	میزان کل دینداری	

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد دینداری و همچنین میزان کل آن با مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین بعد پیامدی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ($P=0/33$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین بعد تجربی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/22$) هستند.

همچنین رابطه بین بعد مناسکی دینداری ($P=0/30$)، بعد اعتقادی دینداری ($P=0/24$) و بعد شناختی دینداری ($P=0/28$) با مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزشی دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار است. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان دینداری ($P=0/26$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی بیشتر می‌شود و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

مدل معادله ساختاری (AMOS) تأثیر دینداری بر گرایش بانوان به ورزش

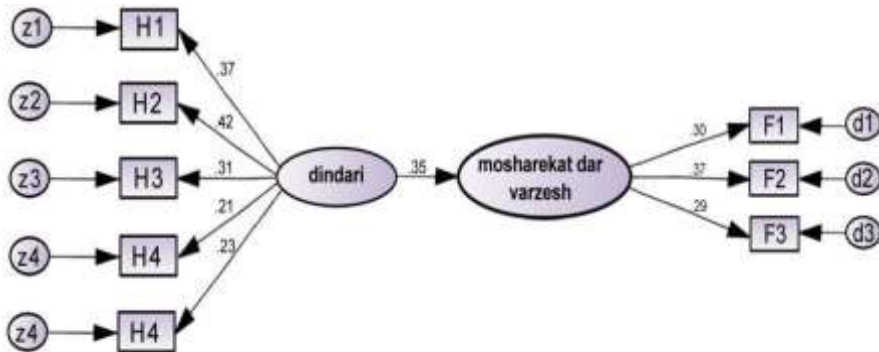
به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر دینداری بر گرایش بانوان به ورزش در وضعیت‌های مختلف از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. که این مدل معادله ساختاری از دو نوع مدل و انواعی از متغیرها تشکیل شده است. دو نوع مدل تشکیل دهنده مدل معادله ساختاری عبارتند از: ۱- مدل اندازه‌گیری ۲- مدل ساختاری. یک مدل اندازه‌گیری جزئی از

مدل ساختاری است که نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده شده تعریف می‌کند. همچنین می‌توان گفت در مدل اندازه‌گیری مشخص می‌شود که تعداد متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان مورد نظر و تا چه حد تحت تأثیر متغیر خطا هستند.

در این مدل ۸ متغیر مشاهده شده وجود دارد که متغیرهای مشاهده شده h_4, h_5, h_1, h_2, h_3 , معرف‌های متغیر پنهان دینداری هستند و متغیرهای مشاهده شده F_1, F_2, F_3 معرف‌های متغیر پنهان گرایش زنان به ورزش هستند. متغیرهای خطای z و d نماد خطای اندازه‌گیری ۸ متغیر مشاهده شده هستند.

جدول ۵- متغیرهای موجود در مدل

متغیر	شاخص‌ها	نمادهای ترسیمی در مدل
دینداری	اعتقادی	H1
	پیامدی	H2
	مناسکی	H3
	تجربی	H4
	شناختی	H5
فعالیت‌های ورزشی	مدت زمان انجام فعالیت‌های ورزشی	F1
	نگرش به فعالیت‌های ورزشی	F2
	انگیزه انجام فعالیت‌های ورزشی	F3



با توجه به جهت پیکان‌ها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته روش شناختی است که نمره هر پاسخگو در متغیر مشاهده شده تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در متغیر پنهان زیر بنایی مرتبط با متغیر مشاهده شده دارد. برای مثال در این مدل متغیر پنهان ما دینداری و شاخص مشاهده شده آن بعد اعتقادی (H1) است. به عبارت دیگر وزنی که H1, H2, H3, H4, H5 در مدل پژوهش دارند تعیین کننده میزان دینداری پاسخگو هستند.

در این مدل متغیر وابسته و پنهان ما مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی و شاخص‌های مشاهده شده آن مدت زمان انجام فعالیتهای ورزشی با بارعاملی (۰/۳۰)، نگرش به فعالیتهای ورزشی با بارعاملی (۰/۳۷) و انگیزه انجام فعالیتهای ورزشی با بارعاملی (۰/۲۹) است.

به عنوان مثال در متغیر وابسته ما یعنی مشارکت در فعالیتهای ورزشی اثر مشارکت در فعالیتهای ورزشی بر روی F2 با ۰/۳۷ این معنی را می‌دهد که متغیر پنهان مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی بیشترین توان تحلیل F2 یا (گویه‌هایی که مستقیم به نگرش به فعالیتهای ورزشی مربوط می‌شوند) را با بالاترین ضریب دارد و در متغیر پنهان دینداری، بعد پیامدی با ضریب ۰/۴۲ بیشترین توان تحلیل این متغیر را داراست. در کل اثر متغیر مستقل دینداری بر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی به میزان ۰/۳۵ است.

برازش مدل

جدول ۶- شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار
CMIN	۲۷۳/۰۸	GFI	۰/۸۰	NNFI	۰/۸۲
ρ, df	۰/۰۰، ۲۸۹	AGFI	۰/۷۹	NFI	۰/۷۹
CMIN/DF	۱۲/۶۳	CFI	۰/۸۱	RMSEA	۰/۰۶۷

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده می‌شود. شاخص‌های برازش مقادیری آماری را به دست می‌آورند که محقق را در تصمیم‌گیری نسبت به تشخیص یا انتخاب مدل مناسب‌تر، یاری می‌کنند. شاخص‌های برازش زیادی وجود دارند، اما پرکاربردترین آنها که در عین حال، پایه و اساس سایر شاخص‌ها محسوب می‌شود χ^2 است (محمدی و امیری، ۱۳۹۲؛ به نقل از قنبری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۷). هر چه مقدار مجذور کای به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده برازش بهتر مدل است. از آن جا که مقدار مجذور کای تحت تاثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل قرار می‌گیرد و مقدار آن بزرگ می‌شود، بنابراین با اتکا بر مقدار مجذور کای نمی‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. در نتیجه در کنار این شاخص، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود (اژه‌ای و همکاران، ۱۳۸۸). شاخص دیگری که برای از میان برداشتن این محدودیت مجذور کای معرفی شده، شاخص χ^2/df است که اگر کوچک‌تر از ۳ باشد، نشانگر برازندگی الگو است (می‌یر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از قنبری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۷). براساس قاعده کلی، شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، برازندگی تطبیقی (CFI)، نرم شده برازندگی (NFI) و نرم نشده برازندگی (NNFI) برای مدل‌های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ تفسیر می‌شوند و مقادیر بالای ۰/۸ نیز نشان دهنده برازش نسبتاً خوب مدل هستند. همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) که لوهین^۲ (۲۰۰۴) برای

1 - Meyers

2 - Loehlin

برازندگی این شاخص، پیشنهاد نمود که در صورتی که کوچک تر از ۰/۰۸ باشد، نشان گر برازندگی خوب، ۰/۰۸ تا ۰/۱، نشانگر برازندگی قابل قبول و مقادیر نزدیک تر به صفر نشانگر بیشترین برازندگی هستند. در جدول فوق نتایج تحلیل عامل مرتبه اول برای مدل فوق نشان داده شده است که مقدار مناسبی است.

نتیجه گیری

همان طور که ذکر شد یکی از اقلاری که توجه به ورزش در بین آنان به ویژه در جامعه ایران دارای اهمیت است زنان است. امروزه زنان در مقایسه با مردان آمار کمتری از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را دارا هستند و به همین دلیل مشکلات زیادی را در ارتباط با سلامت شان پیدا می‌کنند. با آنکه زنان گرایش بالایی به سایر روش‌های مدیریت بدن، مانند رژیم غذایی، مصرف مواد آرایشی و بهداشتی، داروهای افزایش و کاهش وزن و جراحی‌های زیبایی دارند. با این وجود در بسیاری از جوامع حتی جوامع توسعه یافته، فرصت‌های زنان برای مشارکت ورزشی کمتر از مردان می‌باشد. بنابراین بررسی عوامل مختلف مرتبط با گرایش زنان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی مسأله‌ای مهم و قابل بررسی است.

یکی از عوامل مرتبط با مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی میزان دینداری آنان است. با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی رابطه دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی در پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف دینداری چون اعتقادی، پیامدی، مناسکی، تجربی و شناختی به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه آن با کیف مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی در شهر تهران به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

بر اساس یافته‌ها هر چه میزان دینداری ($P=0/26$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی در شهر تهران بیشتر می‌شود؛ در این میان رابطه بین بعد پیامدی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی ($P=0/33$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین بعد تجربی دینداری و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/22$) هستند.

همچنین رابطه بین بعد مناسکی دینداری ($P=0/30$)، بعد اعتقادی دینداری ($P=0/24$) و بعد شناختی دینداری ($P=0/28$) با مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزشی دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار است. بنابراین تمام فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (AMOS) نیز نشان دادند که در کل اثر متغیر مستقل دینداری بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی به میزان ۰/۳۵ است.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین دینداری و مشارکت در ورزش با یافته‌های پژوهش وال ست (۲۰۱۰) و همچنین تئوری‌های کواکلی و ریزبرگ همخوانی دارد. هر کدام از متفکران فوق در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که بین دینداری با فعالیت‌های ورزشی ارتباط دارد. کواکلی معتقد است که دین و ورزش دارای اشتراکاتی هستند و دینداری بر ورزش افراد تأثیرگذار است. او معتقد است که دین و ورزش برای گردهمایی‌ها و برنامه‌های خاص خود دارای مکان‌ها و ساختمان‌هایی ویژه هستند؛ ریزبرگ معتقد است که ورزشکاران عقاید و اعمال مذهبی خود را به شکلی پرنرنگ همراه خویش به زمین بازی می‌برند و دین برای برخی قهرمانان ورزشی به عنوان راهی برای آمادگی، عملکرد و ارزیابی آنان از فعالیت ورزشی شان، دارای اهمیت است.

بنابراین مشاهده می‌شود که دینداری می‌تواند یکی از منابع مشارکت در فعالیت‌های ورزشی باشد. دین اسلام در آموزه‌های خود به مؤمنان قوی زیستن و با نشاط بودن و برخوردار شدن از سلامتی تن را توصیه کرده است. مطالعه تاریخ حیات رسول گرامی (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام و نیز صحابه و تابعین گرانقدر آنان نشان می‌دهد که آنان به ورزش و تربیت و تقویت بدن خود می‌پرداختند و در فعالیت‌هایی از قبیل مسابقه دو، اسب سواری، تیر اندازی و شنا شرکت می‌کردند. در اسلام آمده است در بینش اسلامی، تربیت و تقویت بدن و آمادگی همه جانبه آن مورد توجه است. بنابراین دین به ویژه دین اسلام یکی از منابع مهم تقویت روحیه مسلمانان برای گرایش به ورزش است و اگر آموزه‌های اسلامی به درستی در زندگی به کار گرفته شود افراد از سستی و تنبلی دست برداشته و به سوی فعالیت و ورزش می‌روند.

منابع

- ۱- احمدی، حبیب و سعیده گروسی. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی. فصلنامه مطالعات زنان، سال دوم، ش ۶.
- ۲- انورالخولی، امین. (۱۳۸۱). ورزش و جامعه. ترجمه حمید رضا شیخی، تهران: سمت.
- ۳- پارسامهر، مهربان و رسولی نژاد، سیدپویا. (۱۳۹۴). نسبت دین و ورزش: بررسی رابطه دینداری و مشارکت ورزشی در میان دانشجویان دانشگاه یزد. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز.
- ۴- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دینی. تهران: نشر سخن.
- ۵- حقیقتیان، منصور و دیگران. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انواع دینداری جوانان (نمونه مورد مطالعه: جوانان شهر شیراز). فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال نهم، شماره چهارم، پیاپی (۱۳)، زمستان. ۲۸ - ۱.
- ۶- خدارحیمی، سیامک و جعفری، سیدغلامعلی. (۱۳۷۷). مقاله روان‌درمانی مذهب (نقش مذهب بر فرآیندهای بهداشت روانی و روان‌درمانی در روانشناسی بالینی). تازه‌های روان‌درمانی، شماره ۷ و ۸.
- ۷- رحمانی فیروزجاه، علی؛ شارع پور، محمود و رضایی پاشا، صدیقه. (۱۳۹۰).
- ۸- ریتزر، جورج. (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۹- شارع پور، محمود. (۱۳۸۱). ورزش و جامعه.. ماهنامه فرهنگ عمومی، شماره ۳.
- ۱۰- ضیاءپور، آرش و کیانی پور، ندا. (۱۳۹۱). تأثیر الگوهای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه تجربی دانشجویان دانشگاه آزاد شهر کرمانشاه). فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. سال سوم، شماره ۶.
- ۱۱- عظیمی، شهرام؛ حاتمی، هدایت و اکبری، روناک. (۱۳۹۴). نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی بر مشارکت زنان در ورزش، اولین همایش نقش زن در سلامت جامعه، تهران، بنیاد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.
- ۱۲- فروند، ژولین. (۱۳۷۵). شناسایی ماکس وبر. ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.

- ۱۳- فضل الهی، سیف الله و ملکی توانا، منصوره. (۱۳۹۳). بررسی نقش روانشناختی باورهای دینی در بهبود عملکرد ورزشکاران. کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
- ۱۴- فولادوند، فریبا. (۱۳۹۵). تأثیر تربیت بدنی بر سلامت جسم و روح و روند یادگیری. شیراز: پایگاه خبری و تحلیلی، ورزش و جوانان شیراز.
- ۱۵- قادرزاده، امید و حسینی، سیده چیمین. (۱۳۹۴). ورزش زنان و دلالت‌های معنایی آن. زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۳، شماره ۳، پاییز.
- ۱۶- کشکر، سارا و احسانی، محمد. (۱۳۸۶). بررسی اهمیت عوامل بازدارنده زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی. مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان). دوره ۵، شماره ۲.
- ۱۷- مددی، بهمن؛ نوایی، مهدی؛ مردانه، فرهاد و خسروی، علی. (۱۳۹۴). بررسی نقش دینداری در ارتقاء ورزش همگانی استان آذربایجان شرقی، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد، دانشگاه تربت حیدریه.
- ۱۸- موتمنی، علیرضا؛ همتی، امین و مرادی، هادی. (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت بندی موانع پیش روی بانوان در انجام فعالیتهای ورزشی. مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۲۴، مرداد و شهریور.
- ۱۹- میرسندهی، سیدمحمد. (۱۳۸۳). مطالعه انواع دینداری دانشجویان. پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۰- نبوی، سید عبدالحسین و لیلا احمدی. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده. مجله جامعه شناسی ایران، دوره هشتم، ش ۲.
- ۲۱- نقدی، اسدالله؛ بلالی، اسماعیل؛ ایمانی، پروین. (۱۳۹۰). موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی. زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۱.
- ۲۲- نوربخش، یونس و ولف احمد داریس. (۱۳۸۸). دین و جامعه. چاپ و نشر بین الملل.
- ۲۳- هادیان فرد، حبیب. (۱۳۸۴). احساس ذهنی بهزیستی و فعالیتهای مذهبی در گروهی از مسلمانان. اندیشه و رفتار، دوره ۱۱، شماره ۲.

- ۲۴- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی دین. (مترجم. محسن ثلاثی). تهران: تیان.
- 25- Bishop M, Feist-price S. Quality of life assessment in the rehabilitation counseling relationship: Strategies and measures. *Journal of Applied Rehabilitation Counseling*. 2002; 33(1):35-41.
- 26- Bush, Loren (2001), Environment may play role in whether youth benefit from sports participation, *Journal physical activity*, Vol 20, No 2, pp: 69-82.
- 27- Coakley, J. (2001). *Sport in society: Issues & controversies* (2nd ed.). New York :McGraw Hill.
- 28- Glock C. and Stark , R. (1970). *Religion and Society in Tension, US*, Rand McNally & Company.
- 29- Eitzen, D. S & Sage, G. H (1997) *Sociology of North American Sport*, (6th ed.). Boston: McGraw-Hill.
- 30- Greendorfer, S.L. (1987). Gender bias in theoretical perspectives: The case of female socialization into sport. *Psychology of Women Quarterly*, 11, 327-340.
- 31- Handerson, K.A., Ainsworth T.E.B. (2001). "Researching Leisure and Physical Activity women of color Issues and Emerging Questions". *Leisure Siences* 23 (1) : PP:23-31.
- 32- Liechty T; Freeman, P.A. and Zaboriskieki, R.B. (2003). Body image and beliefs about appearance: Constraints on the leisure of college –age and middle-age women. *Leisure Sciences*; 28: 342-354.
- 33- Sawatzky, R., Ratner, P. A., & Chiu, L. (2005). A meta analysis of relationship between spirituality and quality of life. *Social Indicators Research*, 72: 153 -188.
- 34- Stennet. Aidan. (2013). Barriers to sports and physical activity participation, *Research and Library Services,Northern Ireland Assembly*, Research paper 15,pp147-154.
- 35- Vaughan S. (2009). Factors influencing the participation of middle- age and barriers older Latin American women in physical activity: A stroke prevention behavior. *Rehabilitation Narsing*; 34 (1): 123-136.
- 36- Walseth K. (2010). Young Muslim women and sport. *Leisure Studies*. P. 25.

